

اندرز کودکان^۱

کتابون مزداپور

اصل پهلوی اندرز کودکان شناخته نیست، تنها بر گردان آن به خط اوستا در دست است. در این قطعه پانزده، چنین می‌نماید که دو روایت از یک اندرز تکرار شده است. بزرگ مدرسه یا «دبیرستان خدای» پیرامون موازین رفتار کودکان در خارج از مدرسه، بویژه رسم «باژگرفتن» بر سر سفره، سخن می‌گوید و از آن، نکاتی دربارهٔ جزئیات زندگی روزانه مردم آن دوران فاش می‌گردد. کودکانی که این اندرز را شنیده و خوانده‌اند، و احیاناً رونویسی کرده‌اند، اینک دیرینه سالان‌اند «که کس دخمه‌هاشان ندارد به یاد». اما، اندرز هنوز تازه و کودکانه است: دست و روی بشویید، سلام کنید، برادر و خواهر و مرغ و سگ را نزنید! برخلاف آنچه دربارهٔ ویژگیهای طبیعی رفتار بچه‌گانه و منع‌های همیشگی بزرگتران می‌آید، چون از آداب اجتماعی زمانه، مانند شیوهٔ طعام خوردن، سخن می‌رود، ابهامات بسیار پدیدار می‌شود. نمی‌دانیم که چگونه دست‌ودندان می‌شسته‌اند و پس از خوردن طعام، بر سر سفره چه آدابی داشته‌اند. چنین نادانسته‌هایی، و نیز دگرگون‌گشتن خط که همراه با آن عناصر زبانی تازه‌هم به نوشته راه می‌یابد - بردشواری قرائت این متن کوتاه می‌افزاید. تردید و ابهام بسیار در این برگردان هست که امید می‌رود در آینده روشن گردد.

در زیر، ابتدا برگردان متن به آوا نویسی متداول و معمول پهلوی^۲، و سپس ترجمهٔ فارسی آن می‌آید. هر واژه که نشانه + دارد، بازسازی شده است. (؟) نشانه تردید و ابهام، و () علامتی برای واژه‌های افزوده بر اصل است. به پاس معاضدت خانم سهیلاصارمی، از ایشان سپاسگزارم.

آوانویسی

Pad nām ī dādār ohrmazd

xwēškārčh ī rēdakān ō ēn parrōn³ dibrestān xwadāy dād ēstēd:

har rōz, †pad šab † fradāg, pēš čiyōn xwaršēd abar āyēd, az
wastarag abar xēzēd. xwēš tan dast ud rōy pad dast-bōyčh⁴ ayāb
pad āb⁴(?) ā šōyēd. pad gāh ō dadčhā, ō dibrestān šawēd, pad
gyāg, ō xwēškārčh † xwēš dast āyēd.

andar dibrestān čašm ud gōš ud dil ud uzwān ēdōn ō frahang
dārēd kē čiyōn-tān az dibrestān frāz hilēnd, andar rāh ōšyārčhā,
frahang rawēd. āšnāg weh mardōm kē-tān ō padīrag ē āyēd, har
kas ōy mad ēstēd, namāz pad ēwēn barēd; ud kār-iz pad xānag mad
ēstēd, ōšyārčhā ud pad † handarz ē kunēd. ēč rāy pid ud mād ma

bēšēd. xwāhar ud brād ud bandag ud paristār ud stōr ma zanēd, bē nāk ud ēwēn dārēd. duš-sāz ma bēd, bē weh ī xub-sāz bēd.

Kū-tān nān xwardan framāyēnd, wēnīg wirāyēd ud dast šōyēd. nān ō pēš nihēd. be nišēnēd, yaθā āt yazamaide be gōwēd. ašəm vohū se, be gōwēd ud nān be xwarēd. har čiyōn-tān nān xward bēd. ⁺ēwāz (?) ⁺āhist(?) gyāg wirāyēd. āb ō dast dahēd ud sar ⁺ham (?) ⁵ ō pēš nihēd. abar ⁵(?) ō sar nihēd. may ⁶ān windēd, xwarēd; ud ān nē windēd, nē xwarēd. kē-tān ā-s saxwanThā bēd, ašəm vohū se, yaθā ahū vairyō dō be gōwēd, sprahm, abāg ⁺ēwāz(?) ⁺āhistag(?). dandan farēn ka ō gyāg ī xwēškārth ī xwēš barēd, pad kandarz nišēnēd.

xwāš xufsēd, drust xēzēd. dibtrestān pad kām ē wēnēd. ēd drōd (ud) handarz weh ē kunēm ō ašmā kōdakān kū kē az hērbdestān be šawēd, pad rāh rāst rawēd ud sag ud murw ud stōr ēg-išān ma zanēd, ma bēšēd. Weh āšnāg mardōm kē tō ō padtrag āyēd, ā radča niyāyišn kunēd ud čarbča namāz barēd. Kū abāg xānag šawēd, pēš ī pid ud mād dast pad kaš, framān-burdārthā ēstēd. har kār kū tō rāy framāyēnd, ōšyārthā, pad handarz kunēd. tā framān nē windēd, be ma nišēnēd.

Ka tā nān xwardan framāyēnd, wēnīg wirāyēd, dast šōyēd. nān ō pēš nihēd. yaθā āt ēk, ašəm vohū se, be gōwēd, nān xwarēd. čiyōn-tān nān xward bēd, dandan pāk bē kunēd, ašəm vohū čahār, yaθā ahū vairyō dō be gōwēd. dandan farēn ⁺ō gyāg ī xwēškārth ī xwēš bēd, barēd. xwāš xufsēd, drust xēzēd.

⁺Kū diḡar rōz, fradāg, pēš čiyōn xwaršēd abar āyēd, dast ud rōy se bār pad dast-šōyčh ⁷, haft bār pad āb, dādčhā, xub šōyēd. ⁺ēwēn ⁺ōš-gāh pad gāh abāg dārēd...

Az awestād zaxm, xwārth ē padifrāh garān ⁺āwiš ma rasēd: ēē kē pad rōz nē šawēd ō dibtrestān ⁸ ⁺pašēmān šawēd ōy nē ⁺āgar be ⁺xwastē: ⁺tā ⁹dād ō wīst sāl rasēd, pēš dānāgān ud hērbedān ud dastwarān rasēd, u-tān saxwan danāgthā pursēnd. ašmā passox kardān nē dānēd. mardōm ō ašmā nigerēnd, ašmā ō zamtḡ !

ترجمه فارسی

خویشکاری (= تکلیف و وظیفه) پسرکان را بدین شرح، بزرگ دبیرستان (= مدرسه) (دستور) داده است:

هر روز، در شب فردا (= شبگیر روز آینده)، پیش چو خورشید برآید، از بستر برخیزید. پس خویشتن دست و روی را به دستشویی یا به آب بشوید. ۱۰. نگاه (= در وقت خود)، بنا بر قاعده، به دبیرستان روید. در جای (= بسی درنگ)، بر سر خویشکاری دست خویش (= تکلیف در دست انجام دادن)، بیایید.

در دبیرستان چشم و گوش و دل و زبان را چنان به فرهنگ (آموختن متوجه) دارید که چون شما را از دبیرستان مرخص کنند، در راه هوشیارانه، (بر طریق) فرهنگ (آموختگان) رفتار کنید. مردم آشنای نیک، که شما را به پذیره همی آید، هر کس آمده باشد، او را نماز (به) آیین برید. کار را نیز (چون) به خانه آمده باشید، هوشیارانه و بنا بر اندرز کنید. به هیچ روی پدر و مادر را میازارید. خواهر و برادر و بنده و پرستار و ستور را نزدیک، بلکه (آنان را) خوب و (به) آیین، (گرامی) دارید. ناسازگار باشید، بلکه خوب و سازگار باشید.

چون شما را نان خوردن فرمایند، بینی پاک کنید و دست بشوید. نان به پیش نهید. بشینید، «اینا آت یزه میده» ۱۱ بخوانید، «اشم و هو» ۱۲ را سه (بار) بخوانید، و نان بخورید. همچون که نان خورده باشید،... (با) آواز آهسته، جایگاه را مرتب کنید. آب بردست ریزید و هم سر به پیش (بر سفره) نهید ۱۲ (و اسپرغم) ۱۳ را بر سر نهید. می ۱۴ را، آن (اندازه که) بیایید (= به شما بدهند)، بخورید، و آن را که نیاید، نخورید. پس اگر شما را (به هنگام طعام خوردن) سخنی باشد، سه (بار) «اشم و هو» (و) دو (بار) «یتا اهو و ثریو» ۱۵ بگویید، اسپرغم ۱۶ را (بر گیرید، و) با آواز آهسته (سخن گوید). چون مسواک را به جای خویشکاری خود برید ۱۷. (پس) بنا بر اندرز نشینید.

خوش بخشید (و) به تندرستی برخیزید. دبیرستان را همی به آرزو یابید. یکی درود و اندرز نیک همی کم به شما کودکان که چون از هیبرستان ۱۸ بروید، در راه راست (به سوی خانه) روید، و سگ و مرغ و ستور را پس، نزدیک (و) میازارید. مردم نیک آشنا که تو را به پذیره آید، چو تان سروران، درود گویی کنید و با خوش بانی نماز برید. چون به خانه روید، پیش پدر و مادر دست برسینه، به فرمانبرداری بایستید. هر کار که تو را فرمایند، با هوشیاری، بنا بر اندرز انجام دهید. تافرمان نیاید، منشینید.

پس تا نان خوردن فرمایند، بینی را پاک کنید، دست بشوید، نان به پیش نهید. «اینا آت» یک (بار، و) سه (بار) «اشم و هو» بخوانید. نان خورید. چون نان خورده باشید، دندان را پاک بکنید. چهار (بار) «اشم و هو» (و) دو (بار) «یتا اهو و ثریو» بخوانید. مسواک را به جایی که خویشکاری خود باشد، برید. خوش بخشید، به تندرستی برخیزید. پس، روز دیگر، فردا پیش چو خورشید برآید، دست (و) روی را سه بار، سه دستشویی ۱۹، هفت بار با آب، بنا بر قاعده، خوب بشوید. آیین (نماز) اشهین گاه ۲۰ را نگاه

برگزار کنید.

(چون) از استاد زخم (= کتک) (و) خواری (باشد)، همانا بر او پادافرا، گران نخواهد رسید. زیرا که در (آن) روز (که دیگر) به دبیرستان نروید، پشیمان شوید اگر او (شما را) تنبیه نکرده باشد؛ تا که سن (شما) به بیست سال رسد. (و چون به) پیش دانایان و هیریدان و دستوران برسید، و از شما سخن به دانایی پرسند، (هرگاه) شما پاسخ کردن کردن ندانید، (پس) مردم به شما نگرند، (و) شما بر زمین! ۲۱

یادداشت‌ها

- ۱- این نام را الف. فریمان بر این قطعه نهاده است. نک. به
A. Freimann, «Andarz ī Kotakan», Dastur Hosbang Memorial Volume, Bombay, 1918, PP. 482-9.
این اندرز در جای فصل سی و یکم از یازند بند هش می‌آید. نک. به
E. F. K. Antia, Pazend Texts, Bombay, 1909, PP. 73-4
برای کتابنامه نک. به زبان و ادبیات پهلوی، از جهانگیر تاوادیا، ترجمه سیف‌الدین نجم آبادی تهران، ۱۳۴۸، ص ۱۴۰؛ و نیز
Mary Boyce, «Middle Persian Literature», Handbuch der Orientalistik. Abt I, Bd. IV : Iranistik. Abschnitt 2: Literature, Lfg. I, Leiden, 1968, P. 64.
۲. آوا نویسی پهلوی با شیوه موسوم به جدید، و بر اساس واژه‌نامه مکنزی انجام شده است. به دلیل تازگی زبان این قطعه، و نیز در دسترس و آسان بودن مراجعه به واژه‌نامه مکنزی، این شیوه اختیار شده است. از ذکر موارد اختلاف دو نسخه چایی نامبرده در بالا، که اساس قرائت متن بوده است، صرف نظر گردید.
۳. شاید، *Framān*
۴. نک. به یادداشت شماره ۱۰
۵. متن «*sar mōy*» (سار) = احتمال دیگر آن است که واژه‌های یازند تصحیفی از دو «*der azi*» (= *dūr*) باشد؛ (طرف دستشوی را) دور از پیش (سفره) نهید. نک. به یادداشت شماره ۱۳
۶. شاید «*hamē*» تصحیفی از «*hamē*» پهلوی باشد. نک. به یادداشت شماره ۱۴
۷. نک. به یادداشت شماره ۱۰
۸. متن چایی فریمان، دیستان
۹. در اینجا گویا چند واژه از خط پهلوی به خط اوستایی، برگردان خطی شده است. هنگام قرائت، حروف اوستایی به معادل پهلوی آن برگردانیده و خوانده شد.
۱۰. واژه «دستشوی» در معنای خاصی به کار رفته است، و منظور از آن مایع پاک‌کننده‌ای شبیه به «صابون دستشویی» است. خاصیت ضد عفونی‌کننده گمین گساو را می‌شناخته‌اند و آن را با آب مخلوط می‌کردند و برای دستشویی در بامداد، و نیز در نسل‌های گوناگون به کار می‌بردند (مثلاً، نک. به شایسته ناشایسته، فصل ۲۰، بند ۵)، به این اعتبار، و نیز به قیاس بامورد ارجاع یادداشت شماره ۷ در متن، واژه میهمی که می‌تواند تصحیفی از واژه‌های خنور (= آلات و لوازم خانه از ظرف و کاسه و کوزه و خم و غیره، کنور، فرهنگ

مهمین)، آوند، و نیز *Hāwand* (= همانند، نظیر) هم باشد، «آب» خوانده شد.
۱۱. واژه‌های نخستین، و نام بند اول از یسن ۳۷، که هنگام طعام خوردن سروده می‌شده است.
نک. به یادداشت شماره ۱۳

۱۲. نام دعای کوتاه و مقدسی است

۱۳. مفهوم دو جمله روشن نیست، و ظاهراً به پایان مراسم «پازگرفتن» بر سر سفره بازمی‌گردد، پیش از خوردن طعام، با خواندن نیایش برسم، یا شاخه درخت تقدیش شده، را از برسمدان برمی‌گرفته‌اند. در سکوت خوراک می‌خوردند و باز نیایش می‌خواندند. می‌توان حدس زد که اسپرغم (= گل، شاخه گیاه خوشبوی) را به تعداد افرادی که برگرد سفره بوده‌اند، نیز از برسمدان بر می‌داشته‌اند و در نزد هر کس می‌گذاشته‌اند. برای اشاره به دیگران، و یا اعلام اتمام صرف طعام، از اسپرغم ابر استفاده می‌شده است. باخم کردن سر به سوی سفره برای شکر و تکریم، اسپرغم بیرون نهاده شده را، باز به نشانه حرمت و تعظیم، بر سر می‌گذاشتند اشاراتی مبهم در این باب، در بندهای ۱۸ و ۱۹، از اندرز دستوران به بهدنیان (متن‌های پهلوی، گردآوری دستور جاماسب جی متوجه‌چری جاماسب اسانا، نشریه شماره ۱۱۲ بنیاد فرهنگ ایران، ص ۴-۱۲۳) و نیز بند ۳۲، از فصل سوم کتاب شایست ناشایست وجود دارد و در آنها واژه *abar* چنان به کار رفته است که شاید با کار برد آن در متن بالا ارتباط داشته باشد. اصطلاح «برگوش نهادن اسپرغم» هم شاید با واژه‌های «بر سر نهید» مربوط باشد و بر بلند کردن شاخه گیاه، بر رسم سلام و تعظیم دلالت کند. نک. به دستنویس ۳۵، چاپ شیراز، سال ۱۳۵۵، ص ۱۲۲، ۶، و نیز ص ۱۶۷، س ۱۱، از

The Pahlavi Rivayat, ed. by F.B.N. Dhabbar, Bombay, 1913

برای اطلاع درباره مراسم «پازگرفتن»، نک. به

Marij Boyce and Firoze Kotwal, «Zoroastrian Baj and Dron. II», BSOAS XXXIV, 1971, PP 298-313

۱۴. اگر واژه را می (= همی) بخوانیم، باید جمله را چنین ترجمه کنیم، همی (هر) آن (خوردنی را که بر سفره در دسترس خود) بیابید، بخورید... نک. به یادداشت شماره ۶

۱۵. اهنور، نام دعای معروفی است

نک. به یادداشت شماره ۱۳

۱۷. دو واژه‌ای که به «مسواک» برگردانیده شد، خلال دندان هم بوده، و دور انداختن آن به افسون یا نیرنگ خاصی نیاز داشته است. نک. به اندرز دستوران به بهدنیان (یادداشت شماره ۱۳، کرده پنجم از یتیت پشیمانی بزرگ، در

Zand i Khürtak Avistāk, ed. E. B. N. Dhabbar, Bombay, 1927, P.71
در اینجا، شاید اشاره به آیین دور انداختن آن باشد، و یا یادآوری شود که کودک باید ابزار پاک کردن دندان را در جای ویژه، و جزء وسایل شخصی خود بگذارد.

۱۸. شاید مدرسه مخصوص روحانیون باشد (i)

نک. به یادداشت شماره ۱۵

۲۰. یکی از پنج وعده نماز و نیایش زرتشتی است که پیش از دمیدن خورشید برگزار می‌شود.
۲۱. حدس زده‌اند که شاید اشاره به آزمایش از فارغ التحصیلان مدرسه باشد.